

## نشست «بررسی تحولات اخیر کشور یمن»

تهیه و تنظیم: سید سعید هاشمی نسب<sup>۱</sup>

مقدمه

این روزها در رسانه های مختلف، اخباری از شمال یمن و اوضاع شیعیان زیدی مخابره می شود که حکایت از حملات سهمگین و گسترده یمن و عربستان علیه شیعیان زیدی دارد. این اخبار، سؤالات زیادی را به ذهن مخاطبین متبادر می کند ولی به علت وجود اطلاعات کم در مورد کشور یمن، شیعیان زیدیه و الحوثی ها و...، ابهامات در مورد این موضوع افزایش می یابد. این فضای مبهم موجب شده در جامعه و حتی در سطوح بالاتر مواضع متنوع و بعضاً متضادی اتخاذ شود که چیز جز ناکارآمدی سیاست ها و فضای پر از شایعه در جامعه را در پی ندارد.

در این رابطه وظیفه ی مراکز پژوهشی و علمی این است که برای روشنگری و بروز رسانی اطلاعات و تحلیل ها در مورد این موضوعات اقدام کنند. با توجه به ضرورت تأمل دانشوران در این موضوع، با تلاش گروه آسیای عربی- آفریقایی پژوهشکده مطالعات منطقه ای جامعه المصطفی با مشارکت و همکاری تنی چند از اساتید حوزه و دانشگاه نشست علمی " بررسی تحولات اخیر یمن " برگزار گردید تا قدمی در راه روشنگری و تحلیل دقیق حوادث اخیر برداشته شود. در این نشست علمی سعی شد به سؤالات و مسائل زیر پرداخته شود:

- یمن چگونه کشوری است؟
- تفاوت ها و تشابهات زیدیه با شیعیان اثنی عشری چیست؟
- الحوثی ها به عنوان یک طرف منازعه چه گروهی هستند؟
- منطقه زندگی زیدیه و الحوثی ها کجاست؟
- کم و کیف این درگیری ها که در طی ۵ سال اخیر ادامه داشته است، چیست؟

---

۱. کارشناس گروه آفریقا و عربی پژوهشکده مطالعات منطقه ای.

- الحوثی ها از این مقاومت چه اهدافی را دنبال می کنند؟
  - دولت یمن در پی چه اهدافی وارد این درگیری شده و دست به کشتار شیعیان زیدی زده است؟
  - دولت های منطقه همچون عربستان و مصر با چه انگیزه هایی به شکل مستقیم و غیر مستقیم در این درگیری ها حاضر شده اند؟
  - قدرت های فرا منطقه ای همچون آمریکا و اتحادیه اروپا چه نقشی در این منازعات دارند؟
  - موضع گیری و واکنش این قدرت ها در قبال آن چه بوده است؟
  - سازمان های بین المللی و حقوق بشری چه واکنشی در قبال حوادث اخیر داشته اند؟
- در ابتدای جلسه آقای دکتر سید مفیدحسینی کوهساری به عنوان دبیر جلسه بعد از سلام و خوشامد گویی به موضوع و اعلام برنامه نشست پرداختند:
- " در ابتدا توضیحی مختصر درباره کشور یمن ارائه خواهد شد و سپس به جایگاه خانواده الحوثی و مسائل مطرح شده در مورد این خانواده پرداخته می شود. در محور سوم، ابعاد جنگ یمن مورد بررسی قرار می گیرد. محور چهارم، به انگیزه های دو طرف جنگ یمن یعنی الحوثی ها و دولت یمن می پردازیم و ابعاد داخلی این جنگ مورد بررسی قرار می گیرد. محور بعدی در مورد ابعاد بین المللی این جنگ اخیر است و این که کشورهای دیگری که در این موضوع ورود کرده اند مثل کشورهای عربستان، مصر و آمریکا دنبال چه اهدافی هستند و دو محور آخری که به آن پرداخته می شود رسالت ما نسبت به این جریان است؛ هم رسالت ما به عنوان یک مجموعه حوزوی و به ویژه جامعه المصطفی، و هم رسالت جمهوری اسلامی ایران و سازمان کنفرانس اسلامی در مورد این قضایا."

در ادامه جلسه سخنرانان نشست، جناب آقای دکتر ستوده، کارشناس مسائل بین الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم و جناب آقای حسینی کوهساری، رئیس پژوهشکده مطالعات منطقه ای پژوهشگاه به همراه یکی از روحانیون فعال کشور یمن به محورهای بحث پرداختند که اهم مسائل مطرح

شده بدین شرح می باشد:

### بخش اول : کشور یمن

۱- کشور کنونی یمن از اتحاد دو کشور یمن شمالی و یمن جنوبی به وجود آمده است. یمن شمالی پس از جدایی از امپراتوری عثمانی در نوامبر سال ۱۹۱۸ به استقلال رسید. یمن جنوبی نیز در سی نوامبر ۱۹۶۷ از بریتانیا جدا شده و استقلال یافت. تقریباً بعد از این که یمن شمالی استقلال پیدا کرد بیشتر آمریکا در آن تاثیر گذار بود و در یمن جنوبی شوروی نقش مهم داشت و حضور این دو قدرت در یمن شمالی و جنوبی منازعاتی را ایجاد کرد که هزینه های زیادی به این کشورها تحمیل شد تا اینکه دو کشور یمن شمالی و یمن جنوبی، در تاریخ ۲۲ مه ۱۹۹۰ با یکدیگر متحد و جمهوری یمن را تشکیل دادند.

۲- این کشور، یکی از کشورهای اسلامی است که در حوزه خاورمیانه عربی واقع شده است. عمده اهالی این کشور عرب زبان هستند. این کشور قریب ۲۲ میلیون جمعیت دارد که سه گروه شیعه و اهل سنت در آن زندگی می کنند. عمده اهل سنت یمن شافعی و عمده شیعیان، شیعه زیدی هستند، گرچه اقلیتی از شیعیان اسماعیلی و جعفری هم در یمن زندگی می کنند. در مورد زیدیان آمار و ارقام دقیقی وجود ندارد، آمارهای متفاوت و تا حدودی متناقضی بیان شده است؛ از ۲۰٪ تا ۵۰٪ گفته شده که به نظر می رسد آمار بین ۳۰ تا ۳۵ درصد نزدیک به واقعیت است.

۳- یمن یکی از حاصلخیزترین مناطق شبه جزیره عربی به شمار رفته و به علت دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی و بنادر و جزایر مهم موقعیت ویژه ای در شبه جزیره دارد. چند عامل اهمیت استراتژیک یمن را در نیمه دوم قرن بیست دو چندان کرده است :

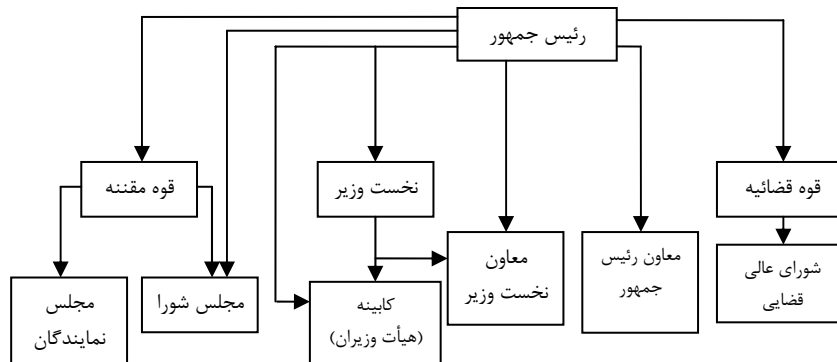
الف - نزدیکی این کشور به شاخ آفریقا، که در نیمه دوم قرن حاضر به علت کشمکش های ابرقدرت ها در این منطقه بر حساسیت موقعیت آن افزوده است.  
ب- تسلط بر باب المندب که با محاصره باب المندب از سوی نیروهای مصر در جنگ پنج روزه سال ۱۹۶۷ یک تجربه تاریخی برای رژیم اشغالگر قدس و قدرتهای فرامنطقه ای بود، لذا امنیت یمن برای این رژیمها دارای اهمیتی

حیاتی است.

ج- یمن که از قسمت شمال با عربستان دارای مرزهای مشترک است، امنیت آن برای عربستان سعودی از نظر تولید و صدور نفت دارای اهمیت ویژه می باشد.  
د- به علت دارا بودن سواحل طولانی در دریای سرخ و دریای عرب، و نیز به علت وجود بنادر مهمی مانند: عدن، حدیده و فحاء اهمیت استراتژیکی یمن دوچندان می شود.

۴- ماهیت رژیم سیاسی یمن پس از اتحاد دو یمن، «جمهوری» است که سرانجام پس از منازعات، درگیری ها و اختلافات گوناگون تاریخی، قانون اساسی بر آن حاکم شده است؛ اما به سبب نظام قبیله ای، رهبران قبایل همچنان در این کشور از قدرت و نفوذ برخوردارند و این کشمکش طولانی میان سنت و تجدد هنوز هم در نظام سیاسی یمن به چشم می خورد. در یمن رئیس جمهور بالاترین مقام اجرایی کشور است. وی معاون خود و نخست وزیر را انتخاب کرده و با مشورت نخست وزیر، اعضای کابینه را تعیین می کند. همچنین اعضای مجلس شورا از جانب رئیس جمهور و اعضای مجلس نمایندگان با رأی مردم و برای یک دوره شش ساله انتخاب می شوند. مقامات عالی نظامی نیز از سوی رئیس جمهور انتخاب می شوند؛

#### نمودار ساختار سیاسی یمن:



همانگونه که در جدول ساختار سیاسی یمن دیده می شود، در نظام سیاسی یمن حیطه اختیارات رئیس جمهور گسترده است، حتی در مواقع لزوم می تواند

مجلس را منحل کند و بسیاری از سیاستگذاری‌ها از طریق او صورت می‌گیرد.

۵- با توجه به چنین ساختار سیاسی که قدرت به شکل متمرکز در دست رئیس جمهور قرار دارد، قدرت در طی ۳۰ سال اخیر در یمن در دست علی عبدالله صالح قرار دارد که برای شناخت تحولات یمن شناخت وی اهمیت بسزایی دارد. علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن، در ۲۱ مارس سال ۱۹۴۲ در روستای بیت الأحمر به دنیا آمد. آموزش ابتدایی را در مدرسه دینی روستا که «کتاب» نامیده می‌شد، گذراند و در سن ۱۶ سالگی (۱۹۵۸م) به ارتش پیوست. او طی حضور در ارتش مراتب ترقی را طی کرد و در سال ۱۹۶۲ عضو کادر افسران جوان و از طراحان انقلاب ۱۹۶۲ شد. او در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به ریاست امنیتی استان تغز در آمد، در همان سال‌ها به عضویت شورای موقت ریاست جمهوری، معاونت فرماندهی کل نیروهای مسلح یمن شمالی (۱۹۷۸م)، ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوای یمن شمالی (۱۹۷۸) در آمد. او از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰ رئیس جمهور یمن شمالی بود و بعد از اتحاد دو یمن نیز به ریاست جمهوری یمن متحد رسید و با تغییر چند باره قانون اساسی تا کنون در قدرت مانده است.

### بخش دوم: زیدیه و الحوثی‌ها

۶- زیدیه به شاخه‌ای از مذهب تشیع گفته می‌شود که به امامت زید بن علی بن الحسین (ع) معتقدند و خود را پیرو او می‌دانند. شیخ مفید در تعریف زیدیه آورده است: «زیدیه به امامت علی، حسن، حسین و زید بن علی قائل هستند و نیز به امامت هر فاطمی‌ای که به خود دعوت کند و در ظاهر، عادل و اهل علم و شجاعت باشد و با او بر شمشیر کشیدن برای جهاد بیعت شود». در مقدمه البحر الزخار نیز در تعریف زیدیه آمده: «زیدیه به فرقه‌ای گفته می‌شود که به پیروی از زید بن علی (ع)، علی بن ابی‌طالب (ع) را در امامت بر دیگران مقدم و امامت را پس از او برای حسن (ع) و حسین (ع) و سپس منحصر در فرزندان آن دو بدانند که با دعوت و فضل به امامت می‌رسند، نه با وراثت و خروج نیز بر ایشان واجب است. همچنین توحید، عدل، وعد و وعید، امامت و امر به معروف و نهی از منکر از دیگر اعتقادات زیدیه است».

۷- خانواده الحوثی از سادات حسنی هستند که به امام حسن (ع) منتسب هستند و طباطبایی محسوب می شوند و از نوادگان یحیی الامام الهادی بن الحسین القاسم الرسی می باشند، که بنیانگذار سلسله زیدیه می باشند. به اینها به خاطر منطقه زادگاه شان الحوثی گفته می شود، حوث منطقه ای است که ما بین صنعا و صعده واقع شده است . بعضی از این سادات از ۵۰۰ سال قبل در حوث به عنوان مبلغ دینی ساکن شدند و بعد که به شهر خود مثل صعده و صنعا برگشتند ، مردم به آنها حوثی گفته و به این اسم معروف شده اند . الحوثی ها خانواده بزرگی هستند و اکثرا طلبه می باشند. این خانواده از چند هزار نفر تشکیل شده که در صعده زندگی می کنند . در ضمن ، در این منطقه سادات حسینی هم زندگی می کنند که به آنها نیز حوثی می گویند . در این صورت الحوثی های حسنی و حسینی داریم.

۸- دلیلی که باعث شده خانواده الحوثی جایگاه مهمی در یمن بیابند به زمان امام حمیدالدین در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بر می گردد، زمانی که ایشان علیه عثمانی قیام کرد و عثمانی ها را از یمن بیرون راند . در همین دوران فردی از خانواده الهادی علیه امام حمید الدین شورش کرد که خانواده الحوثی در جریان این قیام و شورش بعد از آن از حمید الدین حمایت کرد که باعث شد این خانواده در نزد امام حمیدالدین جایگاه ویژه ای یافت. خانواده الحوثی از این جایگاه ویژه استفاده کردند و از آن زمان به دنبال کسب دانش رفتند و از این جهت عالمان زیادی از این خانواده برخاسته است. به طور مثال در یکی از خانواده الحوثی ها ۷ عالم از یک پدر و مادر بودند که در صعده معروف هستند که یکی از اینها به نام سید حسین الحوثی که جایگاه ویژه ای داشت مثل آیت الله بهجت که در نزد ما به عنوان شخصیتی عرفانی شناخته می شود. ایشان نیز چنین ویژگی هایی داشت به طوری که در نماز جماعت ، بعضی از مامومین ایشان در اثر متاثر شدن از قرائت قرآن ایشان بیهوش می شدند.

۹- در رسانه های ایران این تصور وجود دارد که حوثیها یک قبیله هستند در حالی که این طور نیست آنها با آنکه یک خانواده هستند اما یک قبیله نیستند . قانون عشیره و قبیله در یمن قانون خاصی است و نظام عشایری ساختار خاصی

دارد. در یک عشیره اگر یک نفر کشته شود می روند از عشیره مقابل یک نفر را می کشند چه قاتل باشد چه نباشد. این قبایل خیلی اقتدار دارند و یکی از عوامل ضعف دولت مرکزی وجود همین عشایر است. ولی امام حمیدالدین قانونی برای سادات گذاشت که سادات نباید تشکیل عشیره دهند و حمل سلاح کنند و حق جنگ ندارند. و هر گاه سیدی در بین یک عشیره زندگی کند آن عشیره قانون می گذارد که اگر کسی به این سید حمله کند و به ایشان جسارت نماید، ایشان حق دفاع ندارد و خود عشیره از این سید دفاع می کنند تا سادات کار به جنگ و دعوا نداشته باشند و به تبلیغ دینی کارهای علمی مشغول باشند و حوثی ها هم این طور خانواده ای هستند.

۱۰- سید بدرالدین ابن امیرالدین حوثی هم از خانواده الحوثی است. ایشان راه و روش خاصی دارد از این جهت اختلافی با خانواده حوثی دارد. ایشان اهل سیاست هست و حتی در مسائلی که در زیدیه غیر قابل ورود است، ایشان از آن مرزها گذشته و نظرات متفاوتی داده است؛ به طور مثال در یمن زن نمی تواند چهره آشکار کند به طوری که در صعدیه وضعیت مذهبی طوری است که اگر کسی یکی از محارم خود را در خیابان ببیند نمی تواند با او حتی سلام و علیک کند. سید بدرالدین زمان انتخابات فتوی داد که زنان بدون نقاب می تواند عکس بگیرند و در انتخابات شرکت کنند. ایشان موسس حزب الحق بوده است و فعالیت های سیاسی و فرهنگی داشته است.

۱۱- سید بدرالدین الحوثی از مراجع بزرگ زیدی ها محسوب می شود. با این حال آغازگر این جریان اخیر سید حسین بدرالدین حوثی بود که ۴۳ سال عمر داشت و پسر سید بدرالدین است. ایشان دو بار عضو مجلس نمایندگان یمن شد و از فعالان حزب الحق و عضو گروه الشباب المومن بوده است. ایشان سر سخنان به فعالیتهای سیاسی پرداخت و مردم را علیه اقدامات آمریکا در منطقه و یمن بسیج کرد و سرانجام در سال ۲۰۰۴ قیام کرد در همان سال در جنگ با دولت یمن کشته شد، وبعد ایشان قرار بود شخص دوم این جریان الرضاوی جانشین ایشان شود که به خاطر مسائل داخلی حوثی ها از کار برکنار شد که جای ایشان عبدالملک که ۲۹ ساله است جانشین سید حسین شد. سید بدرالدین

حوثی به عنوان پشتوانه معنوی این گروه است ولی اداره اصلی عملیاتی در دست عبدالملک حوثی است؛ با این حال ایشان تنها نیست و شخصیت های دیگری نیز به ایشان کمک می کنند. نکته مهم این است که وارد شدن الحوثی ها با دنیای سیاست توسط علمای زیدی خیلی مورد استقبال واقع نشد و به یک معنا خانواده الحوثی از طرف بزرگان دینی زیدی در حاشیه قرار گرفته اند ولی الحوثی ها این فعالیت های سیاسی را ادامه دادند و این سرسختی منجر به جنگ ششگانه ای شد که از ۲۰۰۴ شروع و تاکنون ادامه دارد.

### بخش سوم: مشکلات کشور یمن

۱۲- اتحادی که در سال ۱۹۹۰م در یمن اتفاق افتاد هر چند توانست کشوری واحد به نام یمن ایجاد کند اما در بسترهای اجتماعی و اقتصادی کشور یمن هنوز دوپارگی مشاهده می شود. در شمال یمن به دلیل حفظ جامعه قبیله ای و ساختار آن و رعایت آداب و سنن مذهبی، فرهنگ اسلامی حاکم است؛ اما اهالی بخش جنوبی با تأثیر پذیری از فرهنگ هندی، انگلیسی و روسی، در راستای فرهنگ غرب حرکت کرده و در زمان حکومت حاکمان مارکسیست در یمن جنوبی که سعی در از بین بردن قبایل و آداب و سنن قبیله ای داشتند این روند شدت بیشتری داشته است.

۱۳- دین رسمی یمن اسلام است و اکثریت را تشکیل می دهند. جامعه مسلمانان یمن اغلب از نظر مذهبی از دو مذهب زیدی و شافعی تشکیل شده اند. زیدیه در قرن دوم هجری به یمن راه یافت و هم اکنون بیشتر در مناطق کوهستانی شمال یمن سکونت دارند و اهل سنت که بیشتر شافعی اند در جنوب و در مناطق ساحلی «تمامه» زندگی می کنند. این دوپارگی مذهبی نیز به نوبه خود موجب دوپاره شدن فرهنگ یمن می شود که باید در تحلیل ها مورد توجه قرار گیرد.

۱۴- کشور یمن با اینکه دارای منابع زیر زمینی و موقعیت خوب جغرافیایی است اما هنوز توسعه نیافته و فقیر محسوب می شود. از طرفی این عقب ماندگی به علت جنگ های داخلی نیز هست. به طور مثال در جنگ داخلی که ۱۹۹۴م صورت گرفت تأسیسات اصلی یمن بویژه فرودگاه ها، بنادر، پالایشگاه نفت و



دیگر تأسیسات حیاتی تخریب گردید که خسارت ناشی از آن میلیاردها دلار برآورد می‌شود. این روند در طول دهه ۹۰ ادامه یافت. تورم در ۱۹۹۲ بالغ بر ۳۵٪ بود که در ۱۹۹۵ به بیش از ۵۰٪ رسید و این در حالی است که میزان کسری بودجه در ۱۹۹۳ به بیش از ۵۰۰ میلیون دلار رسید. این اوضاع بد اقتصادی، تا کنون ادامه دارد و پاشنه آشیل حکومت علی عبد الله صالح محسوب می‌شود که با افت قیمت نفت در دو سال میلادی اخیر فشار اقتصادی بر مردم بیشتر شده است.

۱۵-رژیم عبدالله صالح با پنج بحران روبرو است:

الف-بحران مشروعیت:مهمترین مسئله این است که حکومتی فعلی که سی سال بر یمن حاکم است، آیا مشروعیت دارد یا نه؟ اساسا در ارتباط بامشروعیت هر رژیمی گفته می‌شود که مشروعیت دو پایه می‌تواند داشته باشد. ۱. در داخل، ۲. در خارج، برای کشورهایی که حکومت مردمی دارند و مردم پشتوانه آنها هستند، مشروعیت از داخل تامین شده است و نیاز به حمایت خارجی وجود ندارد. اما کشورهایی که از درون دچار مشکل هستند ومشروعیت داخلی ومردمی ندارند برای کسب مشروعیت و بقا به خارج وقدرت های خارجی رو می‌آورندکه نمونه اعلاى آن در حکومت پهلوی ایران می‌باشد. در مورد دولت یمن باید به این نکته اشاره کردکه دولت یمن مشروعیت مردمی نداردو اجماعی میان شهروندان یمنی درمورد مشروعیت رژیم عبدالله صالح وجود ندارد. از این جهت یمن برای کسب مشروعیت نگاه به خارج و قدرت های بزرگ دارد که آمریکا و عربستان این نقش را برای یمن بازی می‌کنند.

ب-بحران مشارکت: در یمن گروه های مختلف سیاسی نمی‌توانند در قدرت مشارکت کنند.این در صورتی است که حدود ۲۰ حزب در یمن فعالیت می‌کنند اما خیلی از گروه ها برای مشارکت در قدرت مشکل دارند و گروه های متفاوتی مانند خانواده الحوثی خواستار مشارکت در قدرت سیاسی می‌باشند.این بحران نیز به حکومت طولانی و مستمر علی عبد الله صالح مربوط است که جلوی چرخش نخبگان را در ساختار قدرت گرفته است.

ج-بحران هویت: نطفه اتفاقات اخیر را باید در همان سال اتحاد یمن و نوشتن

قانون اساسی جدید باز کاوی کرد. اختلاف خانواده الحوثی و دولت یمن از همان سال ۱۹۹۰ (سال اتحاد دو یمن) آغاز شد که موجب درگیری خشونت در سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ گردید. گروه ها و احزاب مختلف نسبت به ساختار حکومت اعتراض دارند و یکی از مسائل مهم اختلافی که احزاب شیعی نیز به آن معتقدند این است که منبع قانون گذاری در یمن چیست؟ در قانون اساسی ذکر شده که شریعت منبع قانون است که الحوثی ها معتقد بودند باید گفته شود که تنها منبع قانون گذاری شریعت می باشد. این اختلاف مبنایی حکایت از این دارد که جامعه یمن از یک طرف بافت سنتی دارد و از طرفی به لحاظ این که می خواهد وارد عصر مدرن شود موقعیتی دارد که حاکمان یمن قبول ندارند که بگویند تنها منبع قانون گذاری شریعت است و می خواهند دست خود را برای غربی سازی جامعه باز بگذارند.

د-بحران توزیع: سوال اینجاست که دولت یمن چقدر امکانات یک زندگی معمولی را در مناطقی که شیعیان به خصوص زیدی ها زندگی می کنند، توزیع کرده است؟ مناطق شیعه نشین بشدت فقیر و در تنگنا قرار دارند که با فشارهای چند سال اخیر به علت ناکارآمدی و افت قیمت نفت این فشارها دو چندان شده است.

در مجموع می توان مدعی شد که از لحاظ داخلی یمن در وضعیت انتقالی است. از طرفی سرنوشت یمن در ارتباط تنگنا با شبه جزیره است؛ بدان خاطر که بافت جمعیتی و ساختار اجتماعی شبه جزیره همانند جامعه یمن می باشد و اگر حکومت های منطقه چاره اندیشی نکنند، دیر یا زود چنین درگیری ها و منازعاتی در مناطق دیگر شبه جزیره پدیدار خواهد شد. به این موارد اهمیت شبه جزیره در نظام بین الملل اضافه کنید که نشان از اهمیت دوچندان اتفاقات اخیر دارد.

#### بخش چهارم: مشکلات منطقه ای و بین المللی یمن

۱۶- اختلافات مرزی یمن و عربستان: ادعاهای ارضی و اختلافات مرزی میان عربستان و یمن، به دوره امپراتوری عثمانی باز می گردد. اختلاف بین دو کشور، تنها محدود به چند کیلومتر مرز مشترک نمی شود، بلکه مناطق وسیعی را در

بر می‌گیرد. یمن نسبت به سه استان نفت خیز «عسیر»، «نجران» و «جیزان» که در حال حاضر از طرف عربستان اداره می‌شود، ادعای ارضی دارد. از طرف دیگر، ادعاهای ارضی عربستان نیز نسبت به یمن بسیار گسترده است. عربستان مدعی است که مناطق نفت خیز یمن مانند: مأرب، جوف، ربع الخالی و حضرموت متعلق به آن کشور است. در سال‌های اخیر به جهت حفاریهای نفتی در مناطق مورد مناقشه و اتمام مدت پیمان طائف که در سال ۱۹۴۳ بسته شده بود، موجب شده است مناقشات بین یمن و عربستان از سر گرفته شود که این مناقشات در طی سالیان اخیر فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. عربستان در سال‌های شکل‌گیری یمن متحد (اوایل دهه ۹۰)، با روش‌های مختلف سعی کرده در یمن ایجاد آشوب و اغتشاشات کند که این اقدامات موجب شد عاقبت در سال ۱۹۹۵ درگیری نظامی بین عربستان و یمن اتفاق بیفتد که ۵۴ کشته بر جای گذاشت که با وساطت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تفاهمی بین عربستان و یمن در فوریه ۱۹۹۵ بسته شد؛ اما با این حال، مناقشات یمن و عربستان به شکل معضلی حل نشده، باقی مانده است. در سال ۱۹۹۸ با تصرف دو جزیره یمن در دریای سرخ توسط عربستان سعودی به اختلاف‌های آنها دامن زده شد. مرزهای عربستان سعودی و یمن تا کنون نه بر روی نقشه و نه بر روی زمین تحدید نشده است و این تنها مرز موجود در خاورمیانه است که از چنین ویژگی برخوردار است. حال سؤال اینجاست چگونه یمن و عربستان با چنین پیشینه خصومت، در مورد برخورد با شیعیان زیدی به یک خط مشی واحد رسیده‌اند و با هم همکاری می‌کنند؟

۱۷- همانطور که گفته شد شیعیان زیدی در شمال یمن و در مجاورت مرزهای یمن و عربستان زندگی می‌کنند. از طرفی شهروندان جنوب عربستان که از شیعیان زیدی و اسماعیلی هستند، با سیاست سرکوب، تبعیض اجتماعی و اقتصادی و سلطه وهابیون و خفقان مذهبی روبه‌رو هستند. در طول تاریخ این جمعیت‌های شیعی عربستان، پیوند طبیعی با شیعیان زیدی شمال یمن داشته‌اند، که در شرایط مشابه آنان زندگی می‌کنند. در این شرایط عربستان از نفوذ آشوبها به داخل سرزمین خود و شکل‌گیری مخالفتهای مدتی و حتی نظامی

توسط گروه‌های غیر وهابی می ترسد.

۱۸- قبل از جنگ و درگیری های اخیر، دولت یمن با آمریکا اختلافات شدیدی داشت؛ به این علت، یک گروه ۱۵۰ نفری از القاعده در یمن مستقر بودند و آمریکا خواستار تحویل آنها به آمریکا شد اما دولت یمن همکاری نمی کرد. جالب اینجاست برخی از طراحان و همکاران انفجار ۱۱ سپتامبر یمنی بودند، خود بن لادن اصالتا یمنی است، که بعدها خانواده او به عربستان مهاجرت کردند جامعه یمن خیلی با آمریکا مخالف بود. با عربستان هم به خاطر قضیه صدام مشکل داشت وقتی که صدام وارد کویت شد یمن با صدام مخالفت نکرد

۱۹- قبل ۱۱ سپتامبر در طی یک حمله انتحاری در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۰ یک قایق مملو از مواد منفجره به نام یو اس اس کول برخورد نمود و ضمن ایجاد حفره بزرگ در آن، ۱۷ تن از سرنشینان آن کشته و ۳۹ نفر نیز به شدت زخمی شدند. در اواخر سال ۲۰۰۲ نیز یک فروند کشتی فرانسوی مورد حمله انتحاری قرار گرفت و کمی پس از آن نیروهای آمریکایی، ۶ نفر از اعضای القاعده را طی یک حمله موشکی به خودروی آنان در خاک یمن به قتل رساندند. از این جهت آمریکا یمن را یکی از کشورهای می دانست که القاعده در آن حضور دارد.

۲۰- در پی بروز جنگ خلیج فارس میان عراق و نیروهای متحد به رهبری آمریکا، حدود یک میلیون نفر از شهروندان یمنی که در کشورهای حاشیه خلیج فارس به کار مشغول بودند، به علت سیاست های دولت یمن در حمایت از عراق از آن کشور رانده شدند که این مسئله مشکلات بسیاری را برای دولت یمن به وجود آورد. از طرفی همه ی کمک های خارجی از سوی آمریکا، عربستان و سایر کشورها تقریباً به صفر رسید و از سوی دیگر پول های ارسالی کارگران شاغل در کشورهای خلیج فارس قطع شد. علاوه بر همه ی این مسائل بازگشت این حجم از نیروی کار به داخل کشور، وضعیت اشتغال را نیز به شدت در وضعیت بحرانی قرار داد.

### بخش پنجم: نگاهی از درون به منازعات

۲۱- شیعیان یمن قبل از جریان الحوثی ها چه وضعیتی داشتند؟ در واقع زمانی

در یمن فشار مذهبی علیه شیعیان زیدی و اسماعیلی زیاد بود اما حقیقت این است که در سال ۱۹۹۰ که دو یمن متحد شد، آزادی به همه فرقه‌ها داده شد و به برکت این آزادی عده‌ای از یمنی‌ها با شیعه‌ای جعفری آشنا شدند. یعنی از ۱۹۹۰- تا ۲۰۰۴ آزادی کامل فرقه‌ها وجود داشت و ممانعتی نبود. حتی شیعیان در خیابان‌ها عزاداری می‌کردند، تاسیس مراکز علمی و تدریس، تا حدی که در این مدت طبق برخی آمارها ۵۰۰ هزار نفر شیعه جعفری شدند (البته این آمار مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد) با این حال شیعیان معتقد به اسلام سیاسی در یمن کم نیستند. از لحاظ مذهبی زیدی‌ها هیچ منعی از طرف دولت نداشتند و شیعیان جعفری هم منعی نداشتند. هر ساله مبلغانی از قم برای تبلیغ یک یا دو ماه به یمن می‌رفتند و به تبلیغ می‌پرداختند. جمهوری اسلامی ایران در یمن اقدامات مختلف رفاهی برای شیعیان انجام می‌داد؛ به طور مثال دو بیمارستان ایجاد شد و مراکز علمی تاسیس گردید حتی می‌خواستند کتابخانه بزرگ امام خمینی را تاسیس کنند و این همه در حالی بود که دولت یمن علیه ایران واکنش منفی نشان نمی‌داد، این همکاری تا حدی بود که کنفرانسی علیه اسرائیل به اسم یمن در یمن برگزار گردید.

۲۲- در میان زیدیه یمن دو دیدگاه اساسی در مورد تشکیل حکومت و فعالیت‌های سیاسی وجود دارد. از طرفی گروهی معتقد است که ما نمی‌توانیم یک جامعه قوی و حکومتی اسلامی داشته باشیم الا این که جامعه را از لحاظ علمی رشد دهیم؛ از آن جمله سیدمجدالدین مویدی است که فتوا داد که نشر علم و تبلیغ مذهب از شمشیر زدن در راه خدا ثوابش بیشتر است. این فتوا که با اصول مذهب زیدیه اختلاف دارد، چون زیدیه اعتقاد دارند که شمشیر زدن بهترین کار در نزد خداوند است. علمایی مانند سید عبدالعظیم حوثی و دیگران طرف ایشان را گرفتند و تبلیغ علم و مذهب را در راس امور خود قرار دادند تا جامعه به درک درستی از امام و علم و ... برسد. در مقابل آقای سیدبدرالدین حوثی و الشباب المومن نظرشان با این نظر مخالف است و به فعالیت‌های سیاسی اعتقاد دارند و به تاسیس حزب الحق همت گماشتند که موجب شکل‌گیری اختلاف بین علمای زیدی و گروه شباب المومن شد که سید مجدالدین سخت جلوی این‌ها

ایستاد و سرسختانه جلوی این اقدامات موضع گیری کرد و حتی فتوای کفر بعضی از آنها را صادر کرد. سید بدرالدین با افزایش اختلافات کنار کشید و سید حسین بدرالدین به سودان رفت و هنگامی که از سودان بازگشت با این هدف که ما می خواهیم به کمک جوانان علیه آمریکا قیام کنیم، جوانان را دور خود جمع نمود.

۲۳- قبل از جنگ و درگیری های اخیر، دولت یمن با آمریکا اختلافات شدیدی داشت؛ به این علت، یک گروه ۱۵۰ نفری از القاعده در یمن مستقر بودند و آمریکا خواستار تحویل آنها به آمریکا شد اما دولت یمن همکاری نمی کرد. جالب اینجاست برخی از طراحان و همکاران انفجار ۱۱ سپتامبر یمنی بودند، خود بن لادن اصالتا یمنی است، که بعدها خانواده او به عربستان مهاجرت کردند. قبل از انفجار یازده سپتامبر همان القاعده ای ها یک کشتی آمریکایی را منفجر کردند و ۱۷ سرباز آمریکایی در آن انفجار کشته شدند. جامعه یمن خیلی با آمریکا مخالف بود. با عربستان هم به خاطر قضیه صدام مشکل داشت وقتی که صدام وارد کویت شد یمن با صدام مخالفت نکرد.

در این زمان بود که سید بدرالدین حوثی آمد گفت که درس و بحث بس است این همه کار علمی فایده ندارد ما باید جامعه را ضد آمریکا بسیج کنیم بنابراین شعار "الله اکبر، الموت لآمریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی الیهود، النصر للاسلام" را مطرح کرد که آن را مانند نماز واجب می دانست. دولت یمن از این فرصت استفاده کرد و آمریکا و عربستان را با وجود اختلافات با خود همراه کرد. این که در حال حاضر با وجود درخواست الحوثی ها برای صلح، دولت یمن با صلح مخالف است و حتی دنبال گسترش جنگ می باشند در همین نکته ریشه دارد. حتی در اولین جنگی که رخ داد برخی از علمای زیدی قصد وساطت داشتند و خود سید حسین بدرالدین گفته بود که من برای گفتگو و مصالحه حاضرم و نمی خواهیم به جنگ ادامه دهیم اما یکی از افسرانی که وهابی بود نگذاشت این مصالحه صورت بگیرد، تا این که سید حسین کشته شد.

۲۴- موضع سید بدرالدین: سید بدرالدین خیلی موافق حرکت سید حسین نبود

ولی چون از لحاظ اعتقادات زیدیه کسی که امر به معروف می کند باید از او حمایت کرد ولو این که با روش او موافق نباشند. ایشان به سید حسین چند بار گفت الان وقت جنگ نیست. ولی سید حسین اصرار کرد و سید بدرالدین به لحاظ شرعی طبق اعتقادات زیدیه از او حمایت کرد بعد ها که سید حسین کشته شد، سید بدرالدین خودش برای مصالحه به صنعا رفت اما کسی از دولت با سید بدرالدین ملاقات نکرد و از صلح استقبال نشد.

۲۵- در یمن شیعیان به سه گروه شیعیان جعفری، زیدی و اسماعیلی تقسیم می شوند که اکثریت با شیعیان زیدی است. مقاومت شیعیان زیدی یمن به اعتقاد برخی جدال بر سر حق حیات و زندگی است. بنا بر این تحلیل، حکومت یمن قصد دارد شیعیان را از بین ببرد و به همین دلیل شیعیان زیدی در مقابل این حملات دست به مقاومت زده اند. به نظر می رسد تفکر انقلاب اسلامی ایران تأثیر زیادی روی شیعیان مناطق مختلف جهان اسلام گذاشته است که یکی از این مناطق مهم یمن می باشد. تحلیل گران خطر شکل گیری هلال شیعی را برای اهل سنت زیاد می دانند و اقداماتی مانند سرکوب شیعیان یمن را در راستای مبارزه با رشد شیعه گری در جهان اسلام می دانند. نکته ای که نباید فراموش کرد آن است که در هر حال جنبش الحوثی ها تأثیر زیادی بر هویت یابی زیدیان یمن داشته است و آنها را از افتادن در ورطه وهابیت و شبهات رها کرده است

#### بخش ششم: ابعاد منطقه ای و بین المللی درگیری ها

۲۶- اساسا درگیری های اخیر یمن را بدون مطالعه تحولات منطقه خاورمیانه نمی توان تحلیل کرد، به نظر می رسد بحث یمن و تحولات آن اهمیتی کمتر از مطالعه تحولات عراق ندارد و در مرحله بعدی جایگاه آن کمتر از مسئله فلسطین نیست. یمن به علت موقعیت استراتژیکی که دارد در اتصال و پیوند با تحولات اقتصادی و سیاسی و امنیتی منطقه و بین المللی قرار دارد و به این علت که جنگی که شاهد آن هستیم نه تنها دولت یمن را وادار به واکنش کرده بلکه عربستان نیز مستقیما وارد جنگ شده و کشورهایمانند اردن و مصر هم مستقیما در این جنگ دخالت دارند و این همه حکایت از اهمیت زیاد این

مسئله دارد.

۲۷- بافت اجتماعی یمن یک بافت در حال گذار است و کشوری است که بافت قبیله ای وسنتی دارد؛ این مسئله بسیار مهمی است برای شبه جزیره عربستان، چون می توان مدعی شد که کشورهای شبه جزیره بافتی همچون یمن دارند و تغییر در یمن، تغییر در آن کشورها را به همراه دارد. بافت کشور یمن به عنوان یک جامعه سنتی نمی تواند ادامه حیات دهد و باید وارد بافت جدید شود. بافت داخلی یمن، از لحاظ سیاسی، توزیع قدرت، بافت قبیله ای بسیار پیچیده است؛ از این رو اصلاحاتی باید در ساختار های اجتماعی و سیاسی یمن صورت گیرد. چنین مشکلی را در عربستان، عمان و کلا شبه جزیره شاهدیم که بافت موجود نمی تواند ادامه حیات دهد و با شکل گیری تغییرات در یمن امکان تحرکات اجتماعی در شبه جزیره وجود دارد .

۲۸- در سطح منطقه ای باید به موقعیت یمن و منطقه در کل جهان مخصوصا بحث انرژی اشاره کرد. این امر موجب شده که این منطقه در قرن بیستم جولانگاه قدرتهای مختلف باشد. از انگلستان و امریکا تا شوروی که هر کدام در زمانهای متفاوت در منطقه حضور داشتند. در سال ۱۹۷۱ انگلستان اعلام کرد که به خاطر مسائل مالی منطقه را رها می کند ، به تدریج در منطقه خلیج فارس و به تبع آن حوزه دریای سرخ آمریکایی ها جای انگلستان را پر کردند و در مقابل شوروی هم تلاش کر که جایگاه و پایگاه در منطقه داشته باشد. در ارتباط با یمن شاهد بودیم که در یمن شمالی پایگاه های آمریکایی تاسیس شد و در یمن جنوبی شوروی پایگاه داشت تا اینکه گورباچف اعلام کرد که ما نیاز به پایگاه های خارجی نداریم و شوروی از یمن خارج شد. نکته بسیار مهم برای آمریکا چه در زمان دو قطبی و چه در زمان کنونی این است که این منطقه در تسلط شان باشد؛ بازار، فرهنگ و اقتصاد و ... منطقه برایشان اهمیت بسزایی دارد. آمریکا بعد جنگ و افتضاح ویتنام، تئوری دو ستونی نیکسون را مطرح کرد و در خاورمیانه پیاده کرد. طبق این طرح قرار شد ایران در زمان پهلوی ستون نظامی و عربستان ستون مالی منطقه باشد و به عبارت دیگر اگر در منطقه مشکلی به وجود می آمد عربستان کمک های مالی می کرد و رژیم پهلوی هم ستون



نظامی بود. بعد از انقلاب شکوهمند ایران یکی از این دو ستون فروپاشید و استراتژی آمریکا به هم ریخت و توازن به هم خورد. مدلی از حکومت اسلامی در ایران تاسیس شد و به تبع آن آثار و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران در کویت، عربستان، قطر و ... مشاهده شد. انقلاب ایران دو سطح داشت اول مقابل با استبداد و دیگری بیگانه ستیزی؛ از این جهت کشورهای مرتجع منطقه و آمریکا از نفوذ افکار انقلاب ایران در مردم منطقه احساس خطر کرد. از این جهت خود آمریکا وارد منطقه شد و با ایجاد پایگاه های نظامی مختلف در منطقه مستقر شد. در مورد الحوثی ها نکته جالب اینجاست که یکی از شعارهای اساسی آنها بیگانه ستیزی و در راس آن آمریکا و اسرائیل ستیزی می باشد. که از اختلافات اساسی الحوثی ها با دولت یمن همین مسئله بیگانه ستیزی می باشد. جالب تر اینجاست که کل کشورهای منطقه با این شعار آمریکا ستیزی مشکل دارند که نمونه دیگر آن را میتوان در مخالفت سعودی ها با مراسم برائت از مشرکان مشاهده کرد.

۲۹- فضای نظام بین الملل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وارد مرحله جدید شد و آمریکا اسلام سیاسی و اجتماعی را جایگزین کمونیست کرد و آن را دشمن شماره یک خود معرفی نمود. در این راستا مقابله با تروریسم جایگزین شعارهای قبلی شد و آمریکا کشورها را وادار کرد که برای مقابله با تروریسم با آمریکا همراه شوند؛ علی عبدالله صالح نیز در این ارتباط قراردادی با آمریکا منعقد کرد که مطابق آن متعهد شد که در مبارزه با تروریست با آمریکا همکاری کند. و حال سوال مهم این بود که تروریسم چیست و مصادیقش چه کسانی هستند؟ اگر به منابع و ماخذی که در این ارتباط وجود دارد مراجعه کنید و از آن مهمتر به متهمان یازده سپتامبر رجوع شود، مشخص می شود که منظور آمریکا از تروریسم کسانی نیستند جز مسلمانانی که به اسلام سیاسی و اجتماعی معتقدند خواه دست به اسلحه ببرند، خواه حکومتی دموکراتیک داشته باشند. اسامی که آمریکا آنها را به عنوان تروریسم معرفی می کند همه از کشورهای اسلامی هستند و تبلیغی که در مقابله با تروریسم شد دقیقا تبلیغ مبارزه علیه اسلام می باشد.

۳۰- در ادامه، مبارزه با تروریسم به مبارزه علیه اسلام سیاسی تقلیل یافت. به طور

مثال در یمن به علت مشکلات فرهنگی، حکومتی، اقتصادی و ... که وجود دارد، عده ای راه برون رفت از این مشکلات را در سوسیالیسم و لیبرالیسم و ناسیونالیست نمی بینند و در مقابل اسلام را به عنوان راه حل پذیرفته اند؛ جالب اینکه همین گروه ها به عنوان تروریسم معرفی می شوند. آقای علی عبدالله صالح در واقع با همین افراد درگیر است، کار به تاکتیک این افراد نداریم ولی در نهایت این است که خانواده الحوثی معتقدند که راه حل مشکلات یمن در ناسیونالیست عرب و سوسیالیست نیست بلکه پاسخ اسلام سیاسی است و بنابراین خانواده الحوثی مصداق تروریست هستند و برای آمریکا خطر ساز؛ این است که عربستان و مصر و اسرائیل و اردن باید الحوثی ها را سرکوب کنند و دولت یمن هم باید در این سرکوب همکاری کامل داشته باشد.

۳۱- نکته مهمی که باید به آن دقت کرد این است که در واقع، شیعه امامیه تنها پس از انقلاب اسلامی ایران به یمن آمده است. پیش از انقلاب، در آنجا شیعه نبود. پیش از انقلاب، فقط تعدادی شیعه زیدی در آنجا بودند و پس از انقلاب اسلامی، تشیع دوازده امامی به آنجا وارد شد. اما در این منازعات یمن و وهابیت تلاش می کنند این حوادث را به شیعیان دوازده امامی نسبت دهد از این جهت یمن و عربستان و آمریکا این حرکتها را از طرف ایران می دانند و این افراد را شیعیان جعفری و شاگردان امام خمینی معرفی می کنند. در صورتی که با مباحث مطرح شده روشن است که الحوثی ها زیدی هستند.

۳۲- برخی از کارشناسان با اینکه با اصل مبارزه مخالفتی ندارند اما به دلایلی اقدام سالهای اخیر الحوثی ها را نمی پسندند؛ آنها معتقدند که الحوثی ها می توانستند راه های بهتری برای رسیدن به اهداف خود در پیش گیرند. آنها با همان روش مسالمت آمیز موافقت یعنی تعلیم و آموزش در اولویت باشد تا قشری تحصیل کرده و آموزش دیده تربیت شود. همان کاری که حضرت امام خمینی در طول سالهای ابتدایی انقلاب انجام دادند.

۳۳- مواضع جمهوری اسلامی در مورد وقایع اخیر چه بوده است؟ در اینجا باید تفکیکی قائل شویم بین مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران که در واقع آنها را وزارت خارجه مشخص می کند و آن چیزی که ممکن است روزنامه ها و سایت

ها بنویسند. به نظر می‌رسد، دیپلماسی و سیاست خارجی ما در فکر این بوده است که این درگیریها را مهار کند؛ تا این جریانات باعث نشود که مسلمانان یمن در عرصه بین الملل به عنوان تروریسم معرفی شوند و از این اتفاق علیه شیعیان سوء استفاده نشود.

اما در شرایط فعلی که از نظر منطقه‌ی و بین المللی هر حرکتی از شیعیان یا مسلمانان مبارز با وحشیانه ترین شکل مورد هجوم قرار می‌گیرد و سرکوب می‌شود مانند آنچه در در غزه دیدیم؛ هم جمهوری اسلامی و هم جریانات اسلامی باید با احتیاط بیشتر و زیرکانه تصمیم بگیرند که این خود نیاز به درایت ورهبری درست دارد. از این رو مسئولیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور پیش رو و الگوی این جریانات در رهبری و هدایت این جریانات اهمیتی دو چندان می‌یابد.

### بخش هفتم: جمع بندی

ارائه جمع بندی از حوادث یمن کار دشواری است و در این مختصر مجال تفصیل آن نیست. اگر بخواهیم با شاخص و میزان نفع و ضرر ایجاد شده برای اطراف درگیر، این جنگ را جمع بندی کنیم نتایج ذیل قابل ذکر است:

از طرفی الحوثی‌ها به عنوان یک گروه اقلیت و به طور کلی شیعیان یمن از این جنگ برای هویت یابی استفاده کرده اند. این جنگ به شیعیان زیدی هویت بخشیده و به بویژه در برابر هجمه اعتقادی وهابیت به آنها شخصیت اعتقادی - سیاسی داده است. خیلی‌ها زیدی و شیعه بودن خود را آشکار کرده اند. از طرف دیگر شیعیان جهان به مسائل یمن علاقمند و حساس شده اند و بویژه شیعیان عربستان هوشیار شده وبا دقت شرایط خود را مراقبت می‌کنند.

با این حال نباید فراموش کرد این منازعات خود تهدیدی شدید برای الحوثی‌ها، به ویژه شیعیان زیدیه یمن نیز محسوب شده و به آنها لطمات شدید انسانی، اجتماعی و سیاسی زده است وحتی امکان دارد تا مرز نابودی آنها را به پیش ببرد و ادامه جنگ و حمله گسترده تر دولت یمن و همراهی مستقیم آمریکا و عربستان بیان کننده ای این تهدید می باشد.

در مقابل دولت یمن که با مشکلات عدیده و بحران های متفاوتی مواجه بوده از

منتفعین اصلی جنگ به شمار آمده و بعد از درگیری‌ها به شدت از بحران هایش کاسته شده است. دولت یمن از نظر اقتصادی مشکلات زیادی دارد، بحران هویت و بحران مشروعیت دولت یمن را تهدید می‌کند؛ از طرفی نباید مشکلات یمن جنوبی و شمالی را فراموش کرد. اختلافات اساسی یمن و عربستان نیز مزید بر علت است؛ مشکلات یمن با کشورهای حوزه خلیج فارس نیز که به علت حمایت یمن در جنگ خلیج فارس از صدام ایجاد شده است بعد دیگر بحران است که مشکل سیاسی حادی را ایجاد کرده بود. (این اختلافات به حدی رسید که بعد از حمایت یمن از صدام حدود ۲ میلیون شاغل یمنی از عربستان اخراج شدند)، به لیست بالا مشکلات یمن با آمریکا اضافه می‌شود؛ چرا که آمریکا یمن را قطب حمایت از تروریسم می‌داند به نحوی که بزرگان دولت یمن در صدر لیست تروریست‌ها قرار داشتند، در همین میان، از طرف یمنی‌ها به یکی از ناوهای آمریکایی حمله شد و بحران سیاسی زیادی را ایجاد کرده بنابراین یمن در سطح داخلی و بین‌المللی مشکلات عدیده‌ای پیدا کرد. اما با شروع این جنگ دولت یمن به یکی از متحدین آمریکا تبدیل شده است و میلیون‌ها دلار به دولت یمن کمک شده است. دولت آمریکا منع فروش اسلحه را برای دولت یمن برداشته است. الان هیچ کس به مسئله مشروعیت دولت یمن توجه نمی‌کند و دخالت یمن در حمایت از القاعده مورد اهتمام قرار نمی‌گیرد؛ با مشکلات یمن با عربستان و کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس بر طرف شده و مشکلات متعدد داخلی یمن از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به فراموشی سپرده شده و هم‌نگاه‌ها معطوف به الحوثی‌ها شده است. عربستان نیز از دیگر منتفعین است که با دولت یمن از نفوذ این جریان‌ها به داخل خاک خود جلوگیری کرده است و در ضمن با این کار وهابیون به هدف خود که نابودی شیعه در منطقه است نزدیکتر شده و به این بهانه وارد درگیری با شیعیان شده‌اند. بحران‌های سیاسی داخل عربستان هیئت حاکمه با علمای وهابیت نیز تقلیل یافته است. آمریکا نیز که خواستار حضور در منطقه است بهانه خوبی برای حضور در منطقه پیدا کرده و خود در یمن و در حملات نظامی شرکت کرده است.

با توجه به توضیحات ارائه شده، این جریان‌ات پیچیده تر از آن است که آن را منحصر دارای یک بعد دانست؛ آن را درگیری سیاسی و درگیری شیعه و سنی بدانیم یا درگیری بین سیاست‌های آمریکا در عرصه بین‌الملل و یا تنها خطر جنبش‌های اجتماعی در شبه جزیره و... به نظر می‌رسد یک آمیزه‌ای از همه اینها باشد که نیاز به تامل بیشتری دارد.